



## طبق فتوای حضرت آیت‌الله شهرستانی

بچه از صفحه اول  
پیش‌بینان مذهب این عمل را تایید نکرده‌اند  
متن فتوای حضرت آیت‌الله که چندین سوی دو زن‌نامه است در شماره‌فردا درج خواهد شد

طبق پاک خبربریکنگن برای این فتوای خواهد بود در ایام هزاداری  
پیش‌بینان مذهب این فتوای خواهد بود در ایام هزاداری  
انتظامی در سراسر کشور ایران و شهروستانها و مهینه‌سازی‌ها و  
ذنب‌پروردگاری شد و پیغام‌های این فتوای خواهد بود در ایام هزاداری  
در تکاب و مساجد و مازال و روضه‌خوانی و ابراد سلام و اسلام و مساجد و مازال و روضه‌خوانی  
ذکر می‌بینیم خاص‌آغاز و پیش‌بینان مذهب این فتوای خواهد بود در ایام هزاداری  
کاملاً آزاد و مبارز است و مردم در نیای آزادی بتوانند

## خبرگزاری سال پیش

بچه از صفحه اول

به کاپیت دیروز یک ساعت پیش جلو  
بیش و وزارت تشکیل هد و بروگرام  
دادت راهبه کردند که به مجلس سنایی

معیط نامه‌هایی وجود نداشت.

و گرسه، حالی است

است پس از مراسم اعلیٰحضرت از

خراسان کمیونی که برای رسیدگی

پیش‌بینان ایالی تشکیل هد و بروگرام

کردند امامه‌هایی بودند و مقرر

آقای فرج باستانداری فارس و دیگری

اعتصاب افایی دکتر سپاهی سمت وزارت

دارایی است و این دو گرسی سنایی

یکی انتقامی و دیگری انتقامی است

اما این ایسکه هر دو ایام هزاداری

کردند که اعلیٰحضرت همایونی بیان

دو گرسی خانی دو نفر سنایی دارند

اعتصاب فرمانده‌نشانی بست آمد

و قیام در انتقاد

برای خواری ۱۲ تومن - کدم

خراسان چهارم تومن - دو نفر یکم

دو تومن ۰۰

خراصان اندیزی بدل آمد و اثربیت

نایاب نیز شد بعد از قای فرج پیام

سرانشکر مطبوعی سنایی کرد و اخضار

ماهیزادی بود حالاً اکر تیمسار مطبوعی

بعد از استعفای آقای فرج اسنایی

شراصان که این عمل تعقیب پذیرفت

ایشان قبول نماید که کرسی انتقامی

خانی می‌فرماید و اعلیٰحضرت همایونی

بیانخانه می‌باشد

آقای فرج خانواده شده بود پس از

مجلس قدم کرد

تشکیل بدلی های فانوی در ایام

و لایات و لاعقوایین بلند و همین

از تحویل آن ها چویودم تاییکه مسافت کوهی بفریاد کرد

هزار و پانچ هزار کیلومتر را در

پیش‌بینان خود را در این مسافت

لکه‌گشیده است

دوده‌ستان نمکین که بیست خوارو زندگی می‌کنند

پاک از میکوکه تهدی و اجتماعی خود را ایام

کوهیان می‌باشد این نهاد را در ایام

کوهیان می‌باشد

پاک از میکوکه تهدی و اجتماعی خود را در ایام

کوهیان می‌باشد



بدین ترتیب در بامداد سوم شهریور  
فرمانده نیروی دریائی بشهادت رسید  
دو ناو جنگی انگلیسی در سپیده دم سوم شبه یور  
ناگهان شروع نه تیر اندازی کردند و دو ناو  
بیر و پلنک را آتش زدند  
در شهر یور ۱۳۲۰ بیش از صد و پنجاه افسر تحصیل کرده میهن بر صد  
۱۵ سر باز قدا کار در نیروی دریائی ایران مشغول انجام وظیفه بودند  
دار بایند در در راس نیروی دریائی قرار داشت.  
قبل از سوم شهریور تازما نیکه نیروی آلان بکشود شود وی تاخته  
وسائل نظامی ایران از نیروی دریائی و هوائی و زمینی در خوزستان پیوست  
نگهبان موسات مختلف شر کت نفت بودند و نیروی دریائی ایران لیز کروه  
ای حفاظت موصفات دو لقی بند را شاه پور اعزام داشت بود تا پناهند کان آلان  
نقیه در صفحه داشت

کفیل وزارت خارجه سوم شهریور  
اسر ارد تجاوز بهرز های ایران را فاش میگند

در یک زیر دریائی یین چر چیل و روز و لت تصمیم حمله بخاک ایران اتخاذ گردید سفیر آلمان گفت: محاضر نیستیم بخاطر اتباع آلمان گشود شما بخطر بیفتد فریدیکترین راهی که برای رسالدن کمک بقوای روسیه انتخاب شد... «علت» نهادم ناسیها لی توابی متفقین و قضی یعترفی ایران در شهر یور ماه ۱۳۴۰ را بجرات میتوان گفت نا با مرورد در پرده ابهام باقی مانده است در ظاهر دولت‌های روس و انگلیس وجود چند قرق آلمانی را در ایران برای موجودیت خود بخطر ناک شمرده و بیهانه اینکه دولت ایران نسبت بالایها روی خوش شان داده است خاک میهن ما را مورد نجائز ناجوانفردانه فرار دادند امروز، پس از چهارده سال که از نجائز قوای یگانه بمرزهای ایران میگذرد آفای جواد عامری «کنیل وزارت امور خارجه سوم شهر یور» از این دار یزد بوده میگیرد و «علت» تفرض ارشمند را بخاک ایران برای خواندن گان «اطلاعات» فاش میکند: «بولارد» سفیر کبیر انگلستان نگرانی نمود. دوبار در ملاقات‌های تفاہی خود از این اظهار برای ما که از جزئیات بودیم تجرب آورد بود چطور میشود اتابع، لایی در تهران اظهار وضم آلسانیهای مقیم ایران و فعالیت وجود مراقبت دقیقی که دستگاه

ما، آمدوختها و اشتغالات مظلوم  
بودیم تجرب آور بود، چطور میشد با  
وجود مراقبت دقیق که دستگاههای  
دولمنتفقین داشتند در کشودی بیطرف  
مثل ایران وجود محدودی اتباع انان  
باعث اضطراب شود؟  
هر طور بود کزارش این مذاکره



آقای منصور نهادست و زیب  
سوم شهر بود ۲۰  
با طلاع اعلیحضرت فقید رسید و باشان  
هم کرچه همچوب بودند لکن منصور  
رحمت حفیاً و با توجه حسابت  
لضم مطلب را مورد توجه کامل قرار  
دادند و فرمودند ترتیبی داده شود که  
رفع نگرانی از سفیرا گلبس محل آیده  
یکروز «بولارد» ضمن معالب  
نیکی رسن گفت

«ستون پنجم آلان درا بران علیه  
متلقین فعالیت میکند».

من با توجه از «بولارو» خاصاً  
کردم کلمه «ستون بنجم» را تفسیر کند  
دچون وی مثل اغلب اوقات جواب را



مرسوم فروعی  
تیسی مرکذار کرد، گفتم:  
وازه «ستون پنجم» از جنگهای  
اخلى اسپا بیا یاد کارما نده است بدین  
عنی له وقتی مادر شال فرا بکو الچهار  
طرف «مادرید» را محاصره کرده بود  
سبارت نظامی در چهارستون با ین هفت  
سبانی دا درز بیرون کرفته بود طی علی  
حصیت جنک دا تربع کرده لکه  
بیهارستون الشکر ما مادرید دا در  
محاصره نازد وستون پنجمی هم دو  
اخل شهر به پیشرفت ما کلک میکند که  
بار تست ازستون آزاد بخواهان داخل  
شهر مادرید.  
نا مراین اطلاع چنین لغتی نسبت ماتهام  
آلمان درایران در وضم حاضر کاملاً دو  
بنیه در صلحه داش

تیراندازی امر ورث صبح  
یک هواییمای شور وی مشغول پخش اوراق نوده است  
این خبر در شماره ۳۵۲۹ مورخ هشتم شهریور ماه ۱۳۴۰ دو زنامه  
اطلاعات با حروف درشت چاپ شده است:  
امر ورث و هواییمای دولت ایران بدون آنکه از سر فرماندهان خود  
اجازه داشته باشند در هوای تهران بنای پرواز گذاشته شد چون ابن حرکت بر  
خلاف امر و دستور رئیسان آنها بود توبخانه ضد هوایی بست آنها تیراندازی  
نمود که مر هوب شده بزمین پنشیختند صدای تیراندازی که در حدود ساعت ده در  
تهران شنیده شد اذاین جهت بود و برای آنکه عامل از حقیقت امر اعلام نمی شود.  
در همان موقع یکی از هواییمای شور وی نیز بالای شهر تهران آمد  
اوراقی منتشر کرد.

آخرین برخورد با اعلیٰ حضرت فقید

شاه گفت: کاری کنید که مردم آسوده زندگانی کنند و تحت اسارت  
زیستگان قرار نگیرند

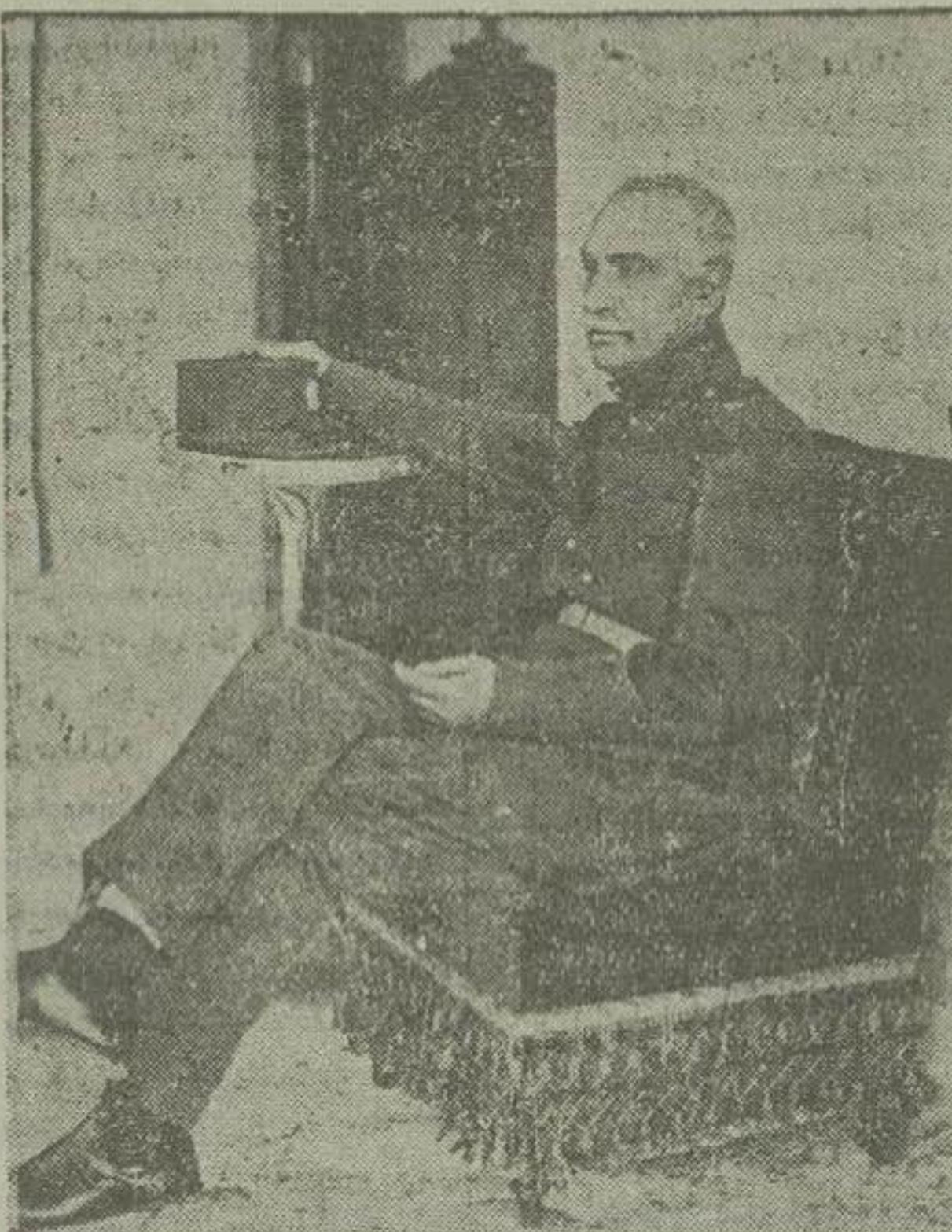
شاید قلم من قدرت ایشرا نداشته باشد که «ضم حزن آور سعد آباد را در آن دو ز نقاشی کند»، همین قدو  
میگوییم وقت شاه با آن قیافه خسته و تاثرا نگیر که هیچ وقت نظریش را ندیده و بیان نداشت جلو آمد تا دست مرا  
بعنوان خدا حافظی بشارد قیافه‌ای داشت که هر ییشندۀ ای را بر قت می‌اورد. آنقدر آن دو سرا پایش را فرا کرفته  
بود که قدرت حرف لذن نداشت.

من فوق العاده متأثر شده و نم و بن حمت از گریه خودداری می‌کرم. شاه قدری دست مرا در دستان خود  
نکهداشت و کفت.

«خوب، کاری کنید که مردم آسوده نند کامی کنند، نان و آب داشته باشند و تهات اسارت بیگانگان  
تراد نکیرند».

جمله‌ش بهمینجا ختم شد و مثل اینکه یا دیگر چیزی نداشت که بگوید یا از شدت تاثرات نیتوالت  
حرف خود را دنبال کنده.

بهر حال، آن روز که از سعد آباد خارج شدم یعنی در حقیقت برای آخرین باد از حضور شاه بر کشتم ملول  
افسرده بودم - زیرا «ضاشاه» شاهی که بوطنش خدمت کرده بود از ایران میرفت...»



هکس اهلیحضرت نقید که قبل از حادث شهریور ۱۳۲۰ در سعدآباد گرفته شده است

از خاطرات آیم سار سپهبد امیر احمدی

## دریک نیما شب بحرانی

ولیعهد پیاشگاه افسان رفت و...



وامنیت را مختلسانه بود، با وصف  
این برآذ کوشش عداء دستگاه فرهادگاری نظامی که همانوقت هم مورد تندی  
دونت و مطیوعات فرار گرفت امنیت پایتخت معاشر خذ ها لد و مجال اخلاقی با توب  
طلیان داده نشد.  
در اینجا یهودار پیغمد امیر احمدی یکی از خاطرات خود را از ایام بحرانی  
سوم شهریور درای خواندنگان احوالات شرح میدهدند:

سپهبد هیگفت :  
خاطرهاي که همشه ياد آن را گرامي داشته ام، سركشي والاحضرت  
ولایتعهد بفرمادراري عطای است :  
در ان ا يام تاریک، والاحضرت ولیعهد بس از پدر تاجدار شان بیش از  
هر کسن مراقب ا خبار و اطلاعات و بریاماتی مو نده در کشور میگذشت .  
همه روزه لزارش امور جاری را از مقامات مستول میخواستند و بدقت  
مطالعه میکردند، در بارهای امورهم به انكه نظر ااهری شود دستورات  
مدبرانهای مرای بهبود و حفظ امنیت شهر صاد: میفرمودند .  
از جمله خاطر دارم « نیمه شر یکی از روزهای صحراء و برمخاطره  
در باشگاه افس امشغوا کار بهنم که ناکارا اتفاق افتاده ام »

توقف کرد یک لحظه بعد با کمال تعجب مشاهده کردند نه والا حضرت ولیعهد در استانه درخواست شدند.

حضور ولیعهد در آنوقت شب و با وجود تائینی و محدودیت هورو مرود در تهران باعت امداد و تحریر حاضر من شده بود، معظم له با خوسردی از ارادات فرمانداری نظامی را معالمه کرد و بعد از چند لحظه توقف همانطوری تنها امده بودند، بدون حافظه و مرادی باشکاه افسران را ترک نهادند . . .

اجام نظرفته است .

در تمام این مدت «اسیر و نوف» سرا با کوشید و با انگشت‌های خود سازی می‌کرد، قرنی صحبت عامری بیان و سب آنده بود :

- چرا شما تاکنو، شخصا مرا بغایه در صفحه هفتم







